

آداب مطالعه



۱) بدان که قصه خواندن و شنیدن، فایده‌ی بسیار دارد:
اول آنکه از احوال گذشگان خبردار شود.

دویم آنکه چون عجایب بشنود، نظر او به قدرت الهی، گشاده گردد. باز سوره
سیم، چون محنت و شدت گذشگان بشنود، داند که هیچ کس از بند محنت آزاد نبوده
است، او را تسلی باشد. آرامش خاطر

۲) چهارم، چون روال ملک و مال سلاطین گذشته بشنود، دل از مال دنیا و دنیا بردارد و داند
که با کس، وفا نکرده و نخواهد کرد. سنا همان

پنجم، عبرت بسیار و تجربه‌ی بی شمار او را حاصل شود.

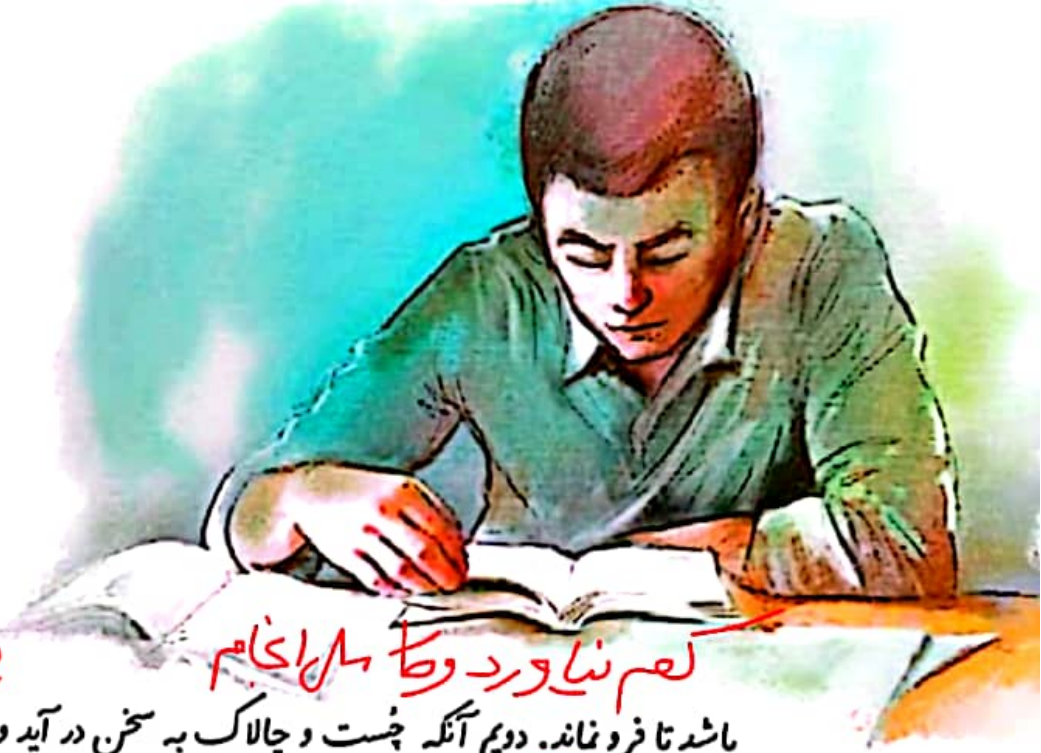
۳) و خدای تعالی با حضرت رسول (ص) می‌گوید: «ای محمد، ما از قصه‌های رسولان
و خبرهای پیغمبران بر تو می‌خوانیم، آنچه بدان، دل را ثابت گردانیم و فایده‌های کثرتی تو را
حاصل گردد.» (قرآن کریم، سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۲۰)

۴) پس معلوم شد که در قصه‌های گذشگان، فایده‌ای هست و خواننده و گوینده و شنونده را
از آن فایده رسد، اگر پرسند که قصه خوانی، چند نوع است، بگوی دو نوع: اول حکایت گوینی
و دویم نظم خوانی.

اگر پرسند که آداب حکایت گوینی چند است،

۵) بگوی: اول آنکه قصه‌ای که ادا خواهد کرد، باید که بر استاد خوانده باشد و با خود تکرار کرده





لعم نیار و کمال انجام بی تجربه

باشد تا فرد نماند. دوم آنکه چست و چالاک به سخن در آید و خام نباشد.



تجربه داشتن سیم باید که داند که جماعت. لایق چه نوع سخن است. بیشتر. از آن گوید که مردم.



۱- راغب آن باشند. ۱۵ شاعریه

۱۶ چهارم. نثر را وقت و وقت به نظم آراسته گرداند که بزرگان گفته اند: نظم در قصه خوانی



چون ننگ است در دیک؛ اگر کم باشد. طعام بی مزه بود و اگر بسیار گردد شور شود؛ پس



صانه روی - اعتدال. نگاه باید داشت.

۱۷ پنجم. سخنان محال و کزاف نگوید که در چشم مردم. سبک شود.

اگر پرسند که آداب نظم خوانی چند است.

بگوی: اول آنکه به آهنگ خواند.

دوم. سخن را در دل مردم بنشانند

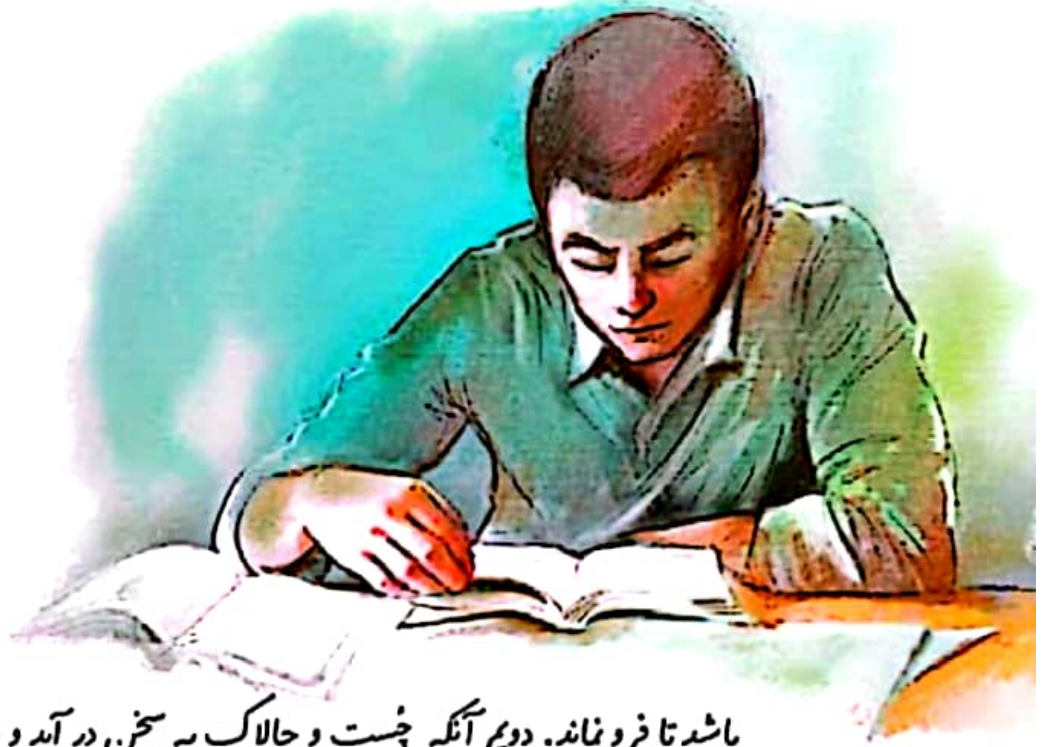
۱۸ سیم. اگریتی مشکل پیش آید. شرح آن با حاضران بگوید.

چهارم. چنان نکلند که مستمع. متلول گردد.

پنجم. صاحب آن نظم را در اول یاد آخر. یاد کند و فاتحه و تکبیر گوید.

کمال الذین حسین واعظ کاشفی، فتوت نامه سلطانی





باشد تا فرو نماند. دویم آنکه چست و چالاک به سخن در آید و خام نباشد.



سیم باید که داند که جماعت، لایق چه نوع سخن است، بیشتر، از آن گوید که مردم،

راغب آن باشند.



چهارم، اثر را وقت و وقت به نظم آراسته گرداند که بزرگان گفته اند: نظم در قفه خوانی



چون نمک است در دیک؛ اگر کم باشد، طعام بی مزه بود و اگر بسیار گردد شور شود؛ پس

صیانه روی اعتدال، نگاه باید داشت.



بنجم، سخنان محال و کزاف نگوید که در چشم مردم، سبک شود. ارزئیس را از دست



اگر پرسند که آداب نظم خوانی چند است،

بگوی: اول آنکه به آهنگ خواند.

دویم، سخن را در دل مردم بشاند.

سیم، اگریتی مشکل پیش آید، شرح آن با حاضران بگوید. توضیح دهد

چهارم، چنان نلند که شستم، ملول گردد. آزرده و فستنه

بنجم، صاحب آن نظم را در اول یادد آخر، یاد کند و فاتحه و تکبیر گوید.

کمال الذین حسین واعظ کاشفی، فنوت نامه‌ی سلطانی

نویسنده‌ی سحر

